



Volume 4, Issue 1, 2024

The Amount of Bloodmoney of a Natural Child in the Field of Jurisprudential Criticism; Analysis of "Article 552 of The Penal Code"

Sedigheh Hatami*¹, Mohammad Reza Elmi Sola²

1. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Faculty of Theology and Islamic Studies, Ilam University, Ilam, Iran. (Corresponding Author)

2. Associate Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Ferdowsi University, Mashhad, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 17-27

Corresponding Author's Info

ORCID: 0009-0005-7588-8563

TELL: +989168970498

Email: hatamisedighe@yahoo.com

Article history:

Received: 24 May 2023

Revised: 11 Aug 2023

Accepted: 27 Aug 2023

Published online: 20 Mar 2024

Keywords:

Adultery, Illegitimate Child, Bloodmoney, Dhimmi Infidel.

ABSTRACT

In jurisprudence, due to the abhorrence of adultery in Sharia, different rulings have been considered for children born out of wedlock. One of these rulings is about the blood price of an illegitimate child. Due to the difference in the opinion of the jurists regarding the assumption of the problem, the present article has studied the heritage of written jurisprudence in a descriptive and analytical way in a problem-oriented research and has reached three different points of view: 1- The famous theory that the amount of money considers the natural child equal to other people; 2- The view of a group of scholars who believe that such a person's dowry is equal to a dhimmi disbeliever; 3- Shazi's point of view, which basically does not believe in the obligation of money in assuming the problem. In the present research, after the detailed counting of the statements in the issue as well as the documentation of each of the above opinions, in the end, the second view which is attributed to a number of the predecessors of the Imamiyyah is considered to have a solid basis and shows the result of the arguments of the chapter. Famous and Shazi's words are not in question.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2024 The Authors.

How to Cite This Article: Hatami, S & Elmi Sola, MR (2024). "The Amount of Bloodmoney of a Natural Child in the Field of Jurisprudential Criticism; Analysis of "Article 552 of The Penal Code"" . *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 4(1): 17-27.



انجمن علمی فقه‌جزای تطبیقی ایران

فصلنامه فقه‌جزای تطبیقی

www.jccj.ir



فصلنامه فقه‌جزای تطبیقی

دوره چهارم، شماره اول، بهار ۱۴۰۳

میزان دیه فرزند طبیعی در بوته نقد و تحلیل فقهی «موضوع ماده ۵۵۲ ق.م.ا»

صدیقه حاتمی*^۱، محمدرضا علمی سولا^۲

۱. استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران. (نویسنده مسؤل)
۲. دانشیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران.

چکیده

در آموزه‌های فقهی به جهت مبعوض بودن عمل زنا در شریعت، احکام متفاوتی برای فرزندان متولد از رابطه خارج از نکاح در نظر گرفته شده است. یکی از این احکام، در باب میزان خون‌بهای فرزند نامشروع است. نوشتار حاضر به جهت اختلافی که در آرای فقیهان در فرض مسأله نمود یافته است، در جستاری مسأله‌محور و به شیوه توصیفی و تحلیلی میراث مکتوب فقهی را در مطالعه گرفته و به سه دیدگاه متفاوت دست یافته است: ۱- نظریه مشهور که میزان دیه فرزند طبیعی را با سایر افراد برابر می‌داند؛ ۲- دیدگاه گروهی از متقدمان که قائل به تساوی دیه چنین فردی با کافر ذمی هستند؛ ۳- دیدگاه شاذی که اصولاً اعتقادی به وجوب دیه در فرض مسأله ندارد. در پژوهش حاضر پس از احصای دقیق اقوال موجود در مسأله و همچنین مستندات هریک از آرای فوق، در نهایت دیدگاه دوم که منتسب به شماری از متقدمان امامیه است دارای مبنای استوار قلمداد شده و برآیند ادله باب نشان می‌دهد، مستندات مسأله را یارای تأمین قول مشهور و نیز قول شاذ در مسأله نیست.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۷-۲۷

اطلاعات نویسنده مسؤل

کد ارکید: ۸۵۶۳-۷۵۸۸-۰۰۵-۰۰۹

تلفن: ۰۴۹۸۹۷۰۶۸۹۱۶۸۹

ایمیل: hatamisedighe@yahoo.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۰۳

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۲/۰۵/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۰۵

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۱/۰۱

واژگان کلیدی:

زنا، فرزند نامشروع، دیه، کافر ذمی.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

با وجود مفاسد گوناگونی که بر عمل زنا مترتب است، این نکته قابل فهم است که شارع مقدس احکام متفاوتی را برای فرزندان متولد از رابطه خارج از نکاح قرار دهد. لذا فقها در مورد شخص متولد از زنا، مسائل فراوانی را بحث نموده‌اند، یکی از آن‌ها، دیه نفس چنین شخصی است. در این مورد میان فقیهان امامیه اختلاف نظر رخ داده است، لذا سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که دیه نفس زنازاده به چه میزان است؟

در پاسخ به سؤال اصلی این تحقیق، سه دیدگاه در آثار مکتوب فقهی بازشناسی شده است:

۱ - ولدالزنا در صورتی که اظهار به اسلام نماید، دیه وی مساوی با دیه فرد مسلمان یعنی «ده هزار درهم» است. (دیدگاه مشهور)

۲ - دیه زنازاده مساوی با دیه کافر ذمی یعنی «هشتصد درهم» است. (دیدگاه شیخ صدوق و سید مرتضی و برخی از معاصرین)

۳ - در مورد زنازاده دیه‌ای ثابت نیست. (دیدگاه ابن ادریس)

در نوشتار فرارو ابتدا دیدگاه‌های موجود در باب میزان دیه نفس زنازاده و مستندات آن‌ها مورد تبیین و تحلیل قرار می‌گیرد و در نهایت پس از ارزیابی تمامی دیدگاه‌ها و مستندات موجود، به تبیین قول مختار پرداخته می‌شود.

در باب پیشینه پژوهش باید گفت، در موضوع نوشتار حاضر، پیش‌تر مقاله‌ای منتشر گردیده است که نگارندگان آن، به تقویت قول مشهور پرداخته و اساساً موضعی متفاوت با دیدگاه مختار جستار فرارو اتخاذ نموده‌اند؛ حال آنکه برآیند بررسی مستندات باب که در ادامه ذکر خواهد شد، حکایت از آن دارد که دیدگاه مزبور خالی از مناقشه نیست.^۱

۱- دیدگاه نخست (تساوی دیه زنازاده با دیه فرد مسلمان)

۱-۱- اقوال فقهی حامی این دیدگاه

مشهور فقیهان امامیه در زمینه دیه زنازاده معتقدند که در صورت اظهار زنازاده به اسلام، دیه وی مساوی با دیه فرد مسلمان یعنی ده هزار درهم است.

بسیاری از فقها دیدگاه مزبور را به مشهور نسبت داده‌اند (اعرجی، ۱۴۱۶: ۷۷۰؛ فخر المحققین، ۱۳۸۷: ۶۸۱/۴؛ صیمری، ۱۴۲۰: ۴۲۲/۴؛ مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳: ۳۲۲/۱۴؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۳۲۲/۱۵؛ فیض کاشانی، بی‌تا: ۱۴۵/۲).

قانون مجازات اسلامی نیز در این زمینه در ماده ۵۵۲ از نظریه مشهور پیروی نموده است. این ماده مقرر می‌دارد: «شخص متولد از زنا در صورتی که هر دو یا یکی از طرفین زنا، مسلمان باشند، در احکام دیه مانند مسلمان است.»

در ادامه به نقل کلام برخی از فقیهان پیرو این نظریه پرداخته خواهد شد:

محقق حلی در شرائع الاسلام از پیروان دیدگاه مشهور است؛ در شرائع چنین آمده است: «دیه ولدالزنا اگر اظهار به اسلام نماید، همانند دیه مسلمان است و گفته شده که دیه وی همانند دیه کافر ذمی است، اما مستند این قول ضعیف است.» (محقق حلی، ۱۴۰۸: ۲۳۰/۴).

علامه حلی در تحریر الاحکام چنین اذعان می‌دارد: «ولدالزنا اگر اظهار به اسلام نماید، دیه او همانند دیه فرد مسلمان است و گفته شده که دیه او همانند دیه کافر ذمی است، اما این قول قابل اعتماد نیست.» (علامه حلی، ۱۴۲۰: ۵۶۹/۵).

شهید اول در غایه المرام با ذکر سه قول موجود در فرض مسأله - ثبوت دیه مسلمان، ثبوت دیه کافر ذمی، عدم ثبوت

داشته و نسخه منتشرشده‌ای از این پژوهش وجود ندارد، لذا نمی‌توان نسبت به ضعف و قوت آن اظهار نظر نمود؛ چه اینکه در گزینش یک دیدگاه، احصا و نقل دقیق مستندات مسأله و نیز مناقشات وارد بر آنها از اهمیت بسیاری برخوردار است و در مورد این اثر به دلیل فقدان این اطلاعات، نمی‌توان یک ارزیابی جامع به دست داد (ر.ک: بازخوانی ادله فقهی حکم دیه شخص متولد از زنا (نقد ماده ۵۵۲ ق.م.ا).

^۱ - نظری توکلی، سعید، خزایی، میثم، و زرگریان، طه «ارزیابی مبانی فقهی دیه فرزند نامشروع با نگرشی بر ماده ۵۵۲ قانون مجازات اسلامی»، فقه و مبانی حقوق اسلامی، سال پنجاه و یکم بهار و تابستان ۱۳۹۷ شماره ۱. البته پژوهشی دیگر نیز در این زمینه وجود دارد که ظاهراً دیدگاهی همسو با مختار نوشتار حاضر اتخاذ کرده است؛ لکن به دلیل اینکه صرفاً عنوانی کلی از این مقاله وجود

شخص مسمان است و اینکه گفته شده که دیه وی همانند دیه کافر ذمی هشتصد درهم است، دلیلی بر این قول نیست جز روایتی ضعیف. «(فیاض، ۱۳۷۸: ۳۸۸/۳).

۱-۲- مستندات دیدگاه نخست

تتبع در آثار و کلمات فقیهانی که در این گروه قرار می‌گیرند، مبین این امر است که ایشان به ادله مختلفی در اثبات مدعی خویش تمسک جسته‌اند که در ذیل بدان‌ها اشاره می‌شود:

- **ضرورت مذهب:** ضرورت مذهب بلکه ضرورت دین اسلام چنین است که هر کس اظهار به اسلام نماید، تا زمانی که یقین به دروغ گفتن وی حاصل نشده، باید اسلام و مسلمان بودن او را پذیرفت و در همه مسائل به‌جز مسائلی که استثنا شده با مسلمانان دیگر شریک است (طباطبائی، ۱۴۱۸: ۳۶۶/۱۶). صاحب جواهر، ۱۴۰۴: ۳۳/۴۳. به عبارت دیگر احکام اسلام من جمله احکام دیه بر وی بار می‌شود.

- **اطلاق و عموم روایات مربوط به دیه مسلمانان:** (فاضل هندی، ۱۴۱۶: ۳۱۶/۱۱؛ طباطبائی، ۱۴۱۸: ۳۶۶/۱۶؛ سبزواری، ۱۴۱۳: ۹۱/۲۹) مقتضی عموم روایات دیه این است که ولدالزنا به دلیل قبول اسلام، محکوم به حکم سایر مسلمانان است و احکام اسلام بر وی مترتب می‌گردد (فیض کاشانی، بی تا: ۱۴۴/۲؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۳۲۳/۱۵).

- **مسلمان بودن فطری زنازاده:** به موجب حدیثی از پیامبر (ص) که می‌فرمایند: «کل مولود یولد علی الفطره» (محدث قمی، ۱۳۴۴: ۳۷۳/۲). یعنی هر بچه‌ای بر فطرت مسلمانی متولد می‌شود و این پدر و مادرش هستند که او را بعداً یهودی یا مسیحی و یا زردشتی بار می‌آورند؛ بنابراین ولدالزنا هم در حکم مسلمان است و دیه مسلمانی دارد (فاضل هندی، ۱۴۱۶: ۳۱۷/۱۱؛ صاحب جواهر، ۱۴۰۴: ۳۵/۴۳).

- **دیه داشتن هر کشته شده‌ای جز کافر:** چنین استناد شده است که برای هر کشته‌ای دیه است، مگر اینکه کافر بوده باشد (صاحب جواهر، ۱۴۰۴: ۳۴/۴۳).

۱-۳- ارزیابی و نقد دیدگاه نخست

بر ادله مشهور اشکالاتی به‌قرار ذیل وارد شده است:

دیه - نهایتاً قول اول یعنی دیدگاه مشهور را قابل اعتماد دانسته است (شهید اول، ۱۴۱۴: ۴۲۲/۴).

شهید ثانی در مسالک الافهام و فیض کاشانی در مفاتیح الشرائع، ضمن انتساب این دیدگاه به اکثر فقها، آن را صحیح می‌داند (شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۳۲۳/۱۵؛ فیض کاشانی، بی تا: ۱۴۵/۲).

فخرالمحققین در ایضاح الفوائد این دیدگاه را اقوی دانسته است. کلام ایشان چنین است: «اقوی نزد من این است که ولدالزنا مسلمان است، لذا دیه او همانند دیه شخص مسلمان است.» (فخر المحققین، ۱۳۸۷: ۶۸۲/۴).

صاحب جواهر الکلام همانند بسیاری از احکام از مشهور تبعیت نموده است: «پس از محقق حلی همه فقها معتقدند که اگر ولدالزنا اظهار مسلمانی نماید، مسلمان محسوب شده و دیه او همانند دیه مسلمان است ... آری ولدالزنا اگر به اسلام اقرار نداشت و یا هنوز صغیر است و یا مسلمانی نیز او را از سر راه برنداشته یا برداشته، ولی در مسلمانی از او پیروی نمی‌کند، در این صورت با توجه به اصل عدم، بهتر است بگوییم اساساً دیه ندارد؛ دیه مسلمانی ندارد، چون فعلاً مسلمان شناخته نمی‌شود؛ دیه ذمی هم ندارد، چون مسلماً کافر ذمی نیست.» (صاحب جواهر، ۱۴۰۴: ۳۳/۴۳).

از فقیهان معاصر نیز امام خمینی در تحریر الوسیله چنین اذعان می‌دارد: «ولدالزنا اگر بعد از بلوغ و بلکه بعد از رسیدن به حد تمیز، اظهار به اسلام نماید، دیه او همان دیه سایر مسلمین است و در دیه او قیل از آن تردید است.» (خمینی، ۱۴۲۷: ۵۵۹/۲).

آیت ... تبریزی در تنقیح مبانی الاحکام و فاضل لنکرانی در تفصیل الشریعه نیز پیرو این نظریه‌اند. ایشان زنازاده را مسلمان دانسته، لذا احکام اسلام را نیز بر وی مقرر نموده‌اند؛ از جمله این احکام ثبوت دیه کامل یعنی ده هزار درهم در مورد شخص زنازاده است (تبریزی، ۱۴۲۸: ۴۲؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۲۹: ۴۵).

آیت ... محمد اسحاق فیاض در منهج الصالحین بیان می‌دارد: «دیه ولدالزنا محکوم به حکم اسلام، همانند دیه

۲- دیدگاه دوم (تساوی دیه زنازاده با کافر ذمی)

۲-۱- اقوال فقه‌های حامی این دیدگاه

معدودی از فقیهان متقدم امامیه چون سید مرتضی و شیخ صدوق معتقدند که دیه ولدالزنا مساوی با دیه کافر ذمی یعنی هشتصد درهم است. برخی از فقها که در ادامه به نقل کلام آن‌ها پرداخته خواهد شد، نیز به تبعیت از این دو فقیه ارجمند، این دیدگاه را پذیرفته‌اند.

شیخ صدوق در مورد دیه زنازاده، در دو موضع از کتاب مقنع اذعان به ثبوت هشتصد درهم نموده است؛ ایشان ابتدا با ذکر روایتی از امام صادق (ع) که می‌فرماید: «دیه ولد زنا همانند دیه یهودی، هشتصد درهم است.»^۱ (طوسی، ۱۴۰۷: ۳۱۵/۱۰) دیدگاه خویش را بیان نموده (صدوق، ۱۴۱۵: ۵۲۰) و سپس در صفحات بعد صراحتاً دیه ولدالزنا را هشتصد درهم اعلام نموده است (صدوق، ۱۴۱۵: ۵۳۰).

سید مرتضی در انتصار در این مورد می‌گوید: «مذهب امامیه چنین است که ولدالزنا هرچند اظهار اسلام هم بکند، هیچ‌گاه مؤمن و پاک نخواهد بود و امامیه در این مسأله قطع و یقین دارند و به آن عمل می‌کنند. وقتی ولدالزنا نزد امامیه چنین است و چون در باطن جزو کفار ذمی است، بنابراین دیه او هم دیه ذمی است.» (علم الهدی، ۱۴۱۵: ۵۴۴).

صاحب ریاض نیز با ادعای عدم استبعاد قول سید مرتضی، به دیدگاه ایشان یعنی ثبوت هشتصد درهم گرایش پیدا نموده است. صریح کلام ایشان چنین است: «قول سید مرتضی دایر بر اینکه ولدالزنا در حکم کافر ذمی است و دیه او هشتصد درهم است بعید نیست؛ زیرا اصل این است که دیه ولدالزنا مساوی با دیه مسلمان نیست.» (طباطبائی، ۱۴۱۸: ۳۶۷/۱۶). حسینی عاملی در مفتاح الکرامه نیز این قول را تقویت نموده است (حسینی عاملی، ۱۳۲۶: ۳۶۶/۱۰).

آیت ... خوئی از فقیهان معاصر پیرو این نظریه است: «نظر مشهور فقها این است که دیه زنازاده - در صورتی که حکم به مسلمان بودن او شود - مساوی با دیه مسلمان است و

- ایراد بر دلیل «مسلمان بودن فطری زنازاده»: اینکه هر بچه‌ای از جمله زنازاده فطرتاً مسلمان است، مورد اشکال است و چنین ادعایی صحیح نیست و هیچ‌یک از فقها بدین صورت به این روایت عمل نکرده‌اند؛ زیرا اگر بخواهند به این صورت به روایت عمل کنند، باید زنا زادگان کفار را هم در حکم مسلمان قرار داد، حال آنکه مسلماً چنین نیست؛ با توجه به کلمه «حتی» در روایت ممکن است معنای روایت چنین باشد که هر بچه‌ای به گونه‌ای خلق شده است که اگر او را آزاد بگذارند، خودش فطرتاً اسلام را انتخاب می‌نماید، نه اینکه از زمان تولد مسلمان است (صاحب جواهر، ۱۴۰۴: ۳۴/۴۳).

- ایراد بر دلیل «دیه داشتن هر کشته‌شده‌ای جز کافر»: استناد به این دلیل نیز مورد مناقشه است، زیرا: روایات و فتوای فقها، دیه را برای مسلمان قرار داده‌اند، نه برای هر کس؛ شاید به خاطر این شبهه بوده که برخی از فقها صراحتاً دیه را برای زنازاده‌ای که اظهار به اسلام نموده، قرار داده‌اند و فقهایی هم که مسأله را مطلق بیان نموده، مرادشان همین بوده است؛ یعنی منظورشان این است که پس از اظهار اسلام، ولدالزنا مسلمان محسوب می‌شود (صاحب جواهر، ۱۴۰۴: ۳۴/۴۳).

- ایراد بر دلیل «اطلاق و عموم روایات مربوط به دیه مسلمانان»: استناد به اطلاق روایات مربوط به دیات مسلمانان نیز از سوی برخی از فقیهان امامیه مورد مناقشه قرار گرفته است، زیرا معلوم نیست ولدالزنا داخل در اطلاق این روایات، حتی روایاتی که با کلمه مؤمن یا مسلم بیان شده، بوده باشد؛ زیرا این روایات برای بیان دیه بیان شده‌اند و منظور این نیست که چه کسی مسلمان است یا مسلمان نیست؛ و دیگر این که از کلمات مؤمن و مسلم، ولدالزنا به ذهن تبادر نمی‌کند و معنی این کلمات منصرف از ولدالزنا است؛ بنابراین، این اطلاقات نسبت به ولدالزنا مجمل است و در شبهه مصداقی نمی‌توان به عموم یا اطلاق تمسک کرد؛ همچنین ولدالزنا نسبت به ادله‌ای که می‌گویند: هر کس شهادتین را گفت، مسلمان است شبهه مصداقی است؛ آن ادله هم شامل ولدالزنا نخواهد شد؛ لذا دلیلی وجود ندارد که دیه ولدالزنا را از اصل عدم وجوب دیه مسلمان خارج کند (حسینی عاملی، ۱۳۲۶: ۳۶۶/۱۰؛ طباطبائی، ۱۴۱۸: ۳۶۷/۱۶).

^۱ - «دیهُ وُلْدِ الزَّانِي دِيَةُ الْيَهُودِي تَمَانِمَائُهُ دَرَاهِمٌ.»

زرتشتی هشتصد درهم است.»^۱ (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۲۲۲/۲۹).

(ب) روایت عبدالرحمن بن عبدالحمید که می‌گوید: «امام موسی (ع) به من فرمودند: دیه ولدالزنا مساوی با دیه یهودی است و هشتصد درهم است.»^۲ (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۲۲۲/۲۹).

(ج) روایت ابراهیم بن عبدالحمید از امام جعفر صادق (ع) که فرمودند: «دیه ولدالزنا مساوی با دیه کافر ذمی یعنی هشتصد درهم است.»^۳ (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۲۲۳/۲۹).

چنانچه برخی از فقها اذعان داشته‌اند؛ سه روایت مزبور با روایات دیگر که درباره فاضلاب حمام وارد شده است، تأیید می‌شود؛ درباره منع از استعمال فاضلاب حمام، روایتی وارد شده و در علت آن در روایات گفته شده که در حمام یهودی و مسیحی، ولدالزنا شستشو می‌کنند؛ در این روایت، ولدالزنا در کنار سایر اهل آتش گفته شده است (حسینی عاملی، ۱۳۲۶: ۳۶۷/۱۰؛ طباطبائی، ۱۴۱۸: ۳۶۷/۱۶؛ صاحب جواهر، ۱۴۰۴: ۳۶/۴۳).

(د) روایت یونس از عبدالله ابن سنان از امام صادق (ع) که ابن سنان می‌گوید: «خدمت امام صادق (ع) عرض کردم فدایت کردم دیه ولدالزنا چقدر است؟ فرمودند: مقداری را که نگه‌دارنده او برایش هزینه کرده، باید به او بپردازند.»^۴ (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۲۲۳/۲۹).

کیفیت استدلال به این روایت از کلام صاحب ریاض چنین است: برخلاف عقیده ابن ادریس که معتقد است ولدالزنا دیه ندارد، این روایت می‌گوید ولدالزنا دیه دارد و دیه او به اندازه مخارجی است که برای او هزینه شده است و این مبلغ کمتر

همچنین گفته شده که دیه او مساوی با هشتصد درهم است و اقرب همین است ... نظری را که شیخ صدوق و سید مرتضی و برخی دیگر از تابعین ایشان، انتخاب کرده‌اند أظهر و به محتوای روایات نزدیک‌تر است.» (خوئی، ۱۴۲۲: ۲۵۵/۲ و ۲۵۶).

پس از مرحوم خوئی، برخی از فقیهان معاصر نیز به تبعیت از ایشان این نظریه را پذیرفته‌اند؛ از جمله محمد سعید حکیم در منهج الصالحین دیه فرد زنازاده را هشتصد درهم قرار داده است (طباطبائی حکیم، ۱۴۱۵: ۲۹۴/۳) و وحید خراسانی نیز در منهج الصالحین این دیدگاه را اقرب دانسته است (وحید خراسانی، ۱۴۲۸: ۵۴۹/۳).

آیت ... روحانی در منهج الصالحین چنین اظهار می‌دارد: «دیه ولدالزنا اگر محکوم به حکم اسلام شود، هشتصد درهم است.» (روحانی، ۱۳۸۶: ۳۷۱/۳)، اما ایشان در کتاب فقه الصادق پس از بررسی ادله هر سه دیدگاه در نهایت دیدگاه مشهور را أظهر می‌داند (روحانی، ۱۴۱۲: ۱۹۹/۲۶).

۲-۲- مستندات دیدگاه دوم

پیروان این دیدگاه به ادله ذیل استناد نموده‌اند:

- **کافر بودن ولدالزنا:** صریح کلام سیدمرتضی در این مورد چنین است: «ولدالزنا هرچند اظهار به اسلام هم کند، هیچ‌گاه مؤمن و پاک نخواهد بود و امامیه در این مسأله قطع و یقین دارند و چون در باطن جزء کفار ذمی است، بنابراین دیه او هم دیه کافر ذمی است.» (علم الهدی، ۱۴۱۵: ۵۴۴).

به عبارت دیگر ولدالزنا در حکم کافر ذمی است و دیه او هشتصد درهم است.

- **اجماع:** سید مرتضی در ثبوت دیه کافر ذمی برای ولدالزنا مدعی اجماع فقها شده است (علم الهدی، ۱۴۱۵: ۵۴۴).

- **روایات:** عمده دلیل این دیدگاه روایات است، این روایات عبارت‌اند از:

(أ) روایت جعفر بن بشیر: جعفر بن بشیر از یکی از روایان حدیث خود نقل کرده که می‌گوید: «از امام صادق (ع) درباره دیه زنازاده پرسیدم که فرمودند: مانند دیه یهودی، مسیحی و

^۱ - «سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَ عَنْ دِيَةِ وَلَدِ الزَّانَا قَالَ ثَمَانِمِائَةٌ دِرْهَمٍ مِثْلُ دِيَةِ الْيَهُودِيِّ وَ النَّصْرَانِيِّ وَ الْمَجُوسِيِّ.»

^۲ - «دِيَةُ وَلَدِ الزَّانَا دِيَةُ الْيَهُودِيِّ ثَمَانِمِائَةٌ دِرْهَمٍ.»

^۳ - «دِيَةُ وَلَدِ الزَّانَا دِيَةُ الذَّمِيِّ ثَمَانِمِائَةٌ دِرْهَمٍ.»

^۴ . «سَأَلْتُهُ عَنْ دِيَةِ وَلَدِ الزَّانَا - قَالَ يَعْطَى الَّذِي أَنْفَقَ عَلَيْهِ مَا أَنْفَقَ عَلَيْهِ.»

سید مرتضی سپس از این اشکال پاسخ می‌دهد که هیچ‌کس نمی‌تواند قطع و یقین داشته باشد که از زنا متولد شده است، زیرا هرکس احتمال می‌دهد، زن و مردی که باهم آمیزش کرده‌اند، میان آنان عقد و یا شبه عقد بوده و در حقیقت آمیزش آنان زنا نبوده و طفلی هم که از آن آمیزش به دنیا آمده، ولدالزنا نبوده است؛ اما دیگران وقتی خبردار می‌شوند که کسی بدون عقد و بدون خرید کنیز و بدون شبه با زنی نزدیکی نموده و بچه‌ای از آن‌ها متولد شده است، ظاهراً می‌گویند عمل مزبور زنا بوده است و بچه حاصل از آن هم ولدالزنا است و دیه او نیز دیه ولدالزنا است (علم الهدی، ۱۴۱۵: ۵۴۴ و ۵۴۵).

- صاحب جواهر ادعای اجماع سید مرتضی را رد نموده و معتقد است که چنین اجماعی محقق نشده است (صاحب جواهر، ۱۴۰۴: ۳۵/۴۳).

بنظر می‌رسد چنین اشکالی وارد است؛ چه اینکه اگر مقصود از اجماع، موافقت تمامی فقیهان در تمام زمان‌ها باشد (انصاری، ۱۴۱۶: ۹۴/۱؛ خوئی، ۱۴۱۹: ۱۴۳/۳)؛ در این صورت با علم به مخالفت بسیاری از فقها چگونه چنین ادعایی قابل قبول است. البته ممکن است گفته شود مقصود از اجماع، اتفاق و اتحاد فقیهان متقدم می‌باشد؛ یعنی فقهایی که در دورانی قبل از شیخ طوسی می‌زیسته‌اند (تفصیل این اجماع: نائینی، ۱۳۷۶: ۱۵۰/۳؛ خمینی، ۱۴۱۵: ۲۵۸/۱)؛ اما باید اذعان نمود چنین مبنایی نیز با مناقشه همراه است؛ زیرا حتی در فرض عبور از مناقشات چنین اجماعی (ر.ک: جناتی، بی‌تا: ۲۱۲)، کماکان نمی‌توان ادعای اجماع در مسأله نمود؛ به جهت اینکه شماری از فقهای نخستین اصولاً موضع مختار خود را در مسأله بیان نکرده‌اند.

- برفرض پذیرش کافر بودن ولدالزنا، این ثابت نمی‌کند که او کافر ذمی است (مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳: ۳۲۲/۱۴).

این اشکال توسط صاحب ریاض پاسخ یافته است، بدین صورت که؛ با توجه به روایات مزبور (روایت جعفر بن بشیر، ابراهیم بن عبدالحمید و عبدالرحمن بن عبدالحمید) برای ولدالزنا فقط به اندازه دیه ذمی از اصل عدم خارج می‌شود. (زیرا وقتی به کافر ذمی که اقرار به شهادتین ندارد،

از دیه مسلمان بلکه کمتر از دیه ذمی نیز هست، الا این که با اجماع، دیه ولدالزنا کمتر از دیه ذمی بودن و هم‌چنین مازاد بر دیه ذمی بودن خارج شده؛ پس دیه ولدالزنا مطمئناً هشتصد درهم است. به علاوه وقتی از خدمت امام علیه‌السلام دیه ولدالزنا سؤال شده و امام از گفتن این که دیه ولدالزنا همان دیه مسلمان است، عدول فرمودند، این صریحاً دلالت دارد که دیه ولدالزنا همانند دیه مسلمان نیست (حسینی عاملی، ۱۳۲۶: ۳۶۶/۱۰؛ طباطبائی، ۱۴۱۸: ۳۶۸/۱۶). زیرا اگر دیه ولدالزنا همانند دیه مسلمان بود، امام در مقام بیان می‌فرمودند؛ پس دیه ولدالزنا همانند دیه مسلمان نیست.

به عبارتی چیزی که در ذهن عبدالله بن سنان وجود داشته این بوده که دیه زن‌زاده با دیه فرد مسلمان آزاد متفاوت و مغایر است و به همین جهت از میزان آن از امام (ع) پرسیده است و از پاسخی که امام (ع) داده و اینکه میزان دیه او را بیان فرموده است، مشخص می‌شود که این تفاوت و مغایرت دیه در مورد او ثابت است و اما آنچه در این روایت مبنی بر میزان هزینه‌های صرف شده برای او آمده است، باید علم آن را به اهلش وا گذاشت، زیرا این با اجماع قطعی (مبنی بر ثبوت دیه مشخص در مورد او هرچند که دیه کافر ذمی هشتصد درهم باشد) مخالف است و شاید در آن زمان مصلحتی ایجاب می‌کرد که امام (ع) پاسخ فرد سؤال‌کننده را به صورت مبهم و مجمل بدهد (خوئی، ۱۴۲۲: ۲۵۷/۲).

- اصل عدم تساوی: اصل این است که دیه ولدالزنا با دیه مسلمان مساوی نیست (طباطبائی، ۱۴۱۸: ۳۶۷/۱۶).

۲-۲- ارزیابی و نقد دیدگاه دوم

اشکالاتی به‌قرار ذیل بر ادله این دیدگاه وارد شده است، گرچه همه عمده اشکالات وارد شده، پاسخ یافته است:

- چنانچه سید مرتضی بیان نموده، ممکن است اشکال شود که وقتی ولدالزنا کافر و اهل آتش است و نمی‌تواند مسلمان شود، پس چگونه او مکلف است؛ به عبارت دیگر ولدالزنا وقتی دانست که از زنا به عمل آمده است، یقین پیدا می‌کند که اهل جهنم است و در این صورت تکلیف او صحیح نیست (علم الهدی، ۱۴۱۵: ۵۴۴).

دارد (مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳: ۳۲۳/۱۴؛ حسینی عاملی، ۱۳۲۶: ۳۶۶/۱۰).

(ج) روایت ابراهیم بن عبد الحمید: وَ يَأْسِنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ حَمَّادٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ جَعْفَرِ ع قَالَ: «قَالَ: دِيَةٌ وَلِدِ الزَّانَا دِيَةُ الدَّمِيِّ ثَمَانُمِائَةً دِرْهَمٍ.» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۲۲۳/۲۹)

در این روایت ابراهیم بن هاشم و عبدالرحمن حماد که در میان راویان قرار دارند، مجهول و گفته شده واقفی اند (مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳: ۳۲۳/۱۴). همچنین این روایت مرسل است، چون ابراهیم بن عبد الحمید نمی‌تواند از امام صادق (ع) نقل روایت کند، مگر به یک واسطه که آن واسطه در اینجا نیست.

اما مرحوم خوئی چنین اشکالاتی را نپذیرفته و چنین اذعان می‌دارد که وجود عبدالرحمن بن حماد در سند این روایت ضروری به صحت آن وارد نمی‌کند؛ زیرا گرچه او در کتاب‌های نوشته شده در علم الرجال، توثیق نشده است، ولی او در سلسله اسناد کتاب کامل الزیارات وارد شده و ثقه و مورد اعتماد است و او کتابی دارد که برخی از جمله ابن ابی عمیر و ابراهیم بن هاشم و برقی و احمد بن محمد بن عیسی از او روایت کرده‌اند (خوئی، ۱۴۲۲: ۲۵۶/۲) و در مفتاح الکرامه آمده است که این حدیث یا حسن یا موثق و یا قوی است (حسینی عاملی، ۱۳۲۶: ۳۶۶/۱۰).

(د) روایت یونس از عبدالله ابن سنان: وَ يَأْسِنَادِهِ عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: «سَأَلْتُهُ فَقُلْتُ لَهُ جُعِلَتْ فِدَاكَ كَمْ دِيَةٌ وَلِدِ الزَّانَا قَالَ يُعْطَى الَّذِي أَنْفَقَ عَلَيْهِ مَا أَنْفَقَ عَلَيْهِ قُلْتُ فَإِنَّهُ مَاتَ وَ لَهُ مَالٌ مَنْ يَرِثُهُ قَالَ الْإِمَامُ.» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۲۲۳/۲۹).

از این روایت نیز اشکال شده که این روایت در میان فقها متروک مانده است، زیرا مخالف با اجماع است و دیه باید مبلغ ثابتی داشته باشد (صاحب جواهر، ۱۴۰۴: ۳۷/۴۳). به عبارت دیگر تنها مطلبی که از روایت مزبور در فرض مسأله استنتاج می‌شود، ثبوت دیه برای فرد زنازاده است، اما مقدار آن را مشخص نموده است؛ لذا این روایت دیدگاه سوم (دیدگاه ابن ادريس) را که قائل به عدم ثبوت دیه برای فرد

هشتصد درهم داده می‌شود، ولدالزنا که اقرار به شهادتین دارد به طریق اولی باید داده شود) اقرار به شهادتین ولدالزنا کالعدم نیست تا بگویم او کافر حربی است و هیچ دیه‌ای ندارد (طباطبائی، ۱۴۱۸: ۳۶۶/۱۶).

- چنانچه بسیاری از فقها بیان نموده‌اند، روایات مزبور به دلیل مرسل بودن ضعیف‌اند (فاضل آبی، ۱۴۱۷: ۶۳۵/۲؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۳۲۳/۱۵؛ صاحب جواهر، ۱۴۰۴: ۳۶/۴۳) و دلیلی نیز وجود ندارد تا به واسطه آن بتوان ضعف این روایات را جبران کرد تا بتوان با این روایات دیه ولدالزنا را از دیه مسلمان پس از اظهار مسلمانی استثناء کرد. ضعف روایات بدین صورت است که:

(أ) روایت جعفر بن بشیر: وَ عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بَشِيرٍ عَنْ بَعْضِ رِجَالِهِ قَالَ: «سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ دِيَةِ وَلِدِ الزَّانَا- قَالَ ثَمَانُمِائَةً دِرْهَمٍ- مِثْلُ دِيَةِ الْيَهُودِيِّ وَ النَّصْرَانِيِّ وَ الْمَجُوسِيِّ.» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۲۲۲/۲۹). این روایت مرسل است و راویان آن مشخص نیستند (محقق حلی، ۱۴۰۸: ۳۳۰/۴؛ حسینی عاملی، ۱۳۲۶: ۳۶۶/۱۰).

اما برخی از فقها چون صاحب جواهر ضعف روایت مزبور را نپذیرفته‌اند (صاحب جواهر، ۱۴۰۴: ۳۶/۴۳). صاحب ریاض و مرحوم خوئی نیز این روایت را با توجه به سخن نجاشی که در مورد جعفر بن بشیر گفته است او از افراد ثقه روایت می‌کند و افراد ثقه هم از او روایت می‌کنند، از جمله روایت‌های معتبر می‌داند (طباطبائی، ۱۴۱۸: ۳۶۷/۱۶؛ خوئی، ۱۴۲۲: ۲۵۶/۲ و ۲۵۷). چون نقل حدیث از افراد ثقه، مدح نیست، پس منظور نجاشی این است که جعفر بن بشیر همیشه از افراد مورد اعتماد حدیث نقل می‌کرد و هیچ‌گاه از افراد ضعیف نقل حدیث نمی‌کرد، پس روایت مرسله مزبور مانند روایات مرسله ابن ابی عمیر معتبر است.

(ب) روایت عبدالرحمن بن عبد الحمید: مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ يَأْسِنَادُهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ حَمَّادٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ بَعْضِ مَوْلِيهِ قَالَ: «قَالَ لِي أَبُو الْحَسَنِ ع دِيَةُ وَلِدِ الزَّانَا دِيَةُ الْيَهُودِيِّ ثَمَانُمِائَةً دِرْهَمٍ.» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۲۲۲/۲۹) این روایت مرسل است و علاوه بر ارسال، در سلسله رجال آن افراد ناشناس وجود

۳-۲- ارزیابی و نقد دیدگاه سوم

این دیدگاه در واقع فاقد دلیل معتبر است و برخلاف این دیدگاه، به دو دلیل می‌توان ادعا نموده که برای ولدالزنا دیه ثابت است:

- روایت عبدالله ابن سنان از امام صادق (ع) که ابن سنان می‌گوید: «به امام صادق (ع) عرض کردم دیه ولدالزنا چقدر است؟ فرمودند: مقداری را که نگه‌دارنده او برایش هزینه کرده، باید به او بپردازند.»^۱ (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۲۲۳/۲۹) ثابت می‌نماید که فرد زنازاده واجد دیه است.

- همچنین این دیدگاه با اطلاق آیات قرآن که دلالت بر ثبوت دیه دارد، مخالف است (فاضل آبی، ۱۴۱۷: ۶۳۵/۲).

حاصل کلام اینکه با توجه به اشکالات و مناقشات وارده بر دیدگاه‌های «تساوی دیه زنازاده با دیه مسلمان» و دیدگاه «عدم ثبوت دیه بر شخص زنازاده» و قابل توجیه نبودن این ایرادات؛ و از طرفی نیز با توجه به مستندات محکم موجود بر دیدگاه «تساوی دیه زنازاده با دیه کافر ذمی»، لذا نظریه مزبور قابل دفاع و وجهیه به نظر می‌رسد.

نتیجه‌گیری

مطابق آنچه در نوشتار حاضر گذشت، در باب دیه شخص زنازاده، سه دیدگاه در فقه امامیه بازشناسی شده است؛ نخستین دیدگاه قول مشهور است که قائل به تساوی دیه زنازاده با دیه فرد مسلمان هستند، البته در صورت اظهار وی به اسلام؛ اما ادله مورد استناد این دیدگاه - بر فطرت مسلمان بودن زنازاده، دیه داشتن هر مقتول، اطلاق روایات مربوط به دیات مسلمانان - چنانچه در متن گذشت همگی خدشه پذیر بودند. نظریه دوم دیدگاه نادری از شیخ صدوق و سید مرتضی است که پیروانی را از میان فقیهان متأخر چون صاحب ریاض و صاحب مفتاح الکرامه و همچنین از میان فقیهان معاصر چون آیت ... خوئی، محمد سعید حکیم، وحید خراسانی و آیت ... روحانی به همراه داشته است و آن تساوی دیه زنازاده با دیه کافر ذمی یعنی هشتصد درهم است. این دیدگاه مستند

زنازاده بود رد می‌نماید، اما نمی‌تواند دلیلی بر قول مشهور و یا قول سید مرتضی و شیخ صدوق باشد، زیرا میزان دیه را مشخص نموده است.

- بر فرض معتبر و صحیح بودن روایات مزبور، به دلیل اینکه مورد اعراض مشهور فقها واقع شده‌اند، لذا نمی‌توان بدان‌ها استناد نمود، زیرا اعراض فقها از روایت سبب اسقاط حجیت آن است.

اما از این اشکال نیز پاسخ داده می‌شود که اسقاط و یا عدم اسقاط حجیت روایت با اعراض مشهور از آن، یک مسأله مبنایی است؛ لذا گرچه بسیاری از اصولیون اعراض مشهور از روایت را موجب اسقاط حجیت روایت می‌دانند، اما در مقابل برخی از اصولیون نیز اعراض مشهور از روایت را سبب اسقاط حجیت و اعتبار آن ندانسته؛ زیرا ادله اعتبار خبر واحد مطلق می‌باشند و حجیت آن را مقید به قید و یا مخصص به خصوصیتی ننموده‌اند؛ بنابراین حتی اگر ظنی (همچون اعراض مشهور از روایت) برخلاف خبر واحد صحیح تحقق یابد، حجیت آن ساقط و منتفی نخواهد شد (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹: ۳۳۲ و ۳۳۳؛ خوئی، ۱۴۱۹: ۲۳۶/۱).

۳- دیدگاه سوم (عدم ثبوت دیه برای زنازاده)

۳-۱- اقوال فقهای حامی این دیدگاه

ابن ادریس حلی در مسأله دیه زنازاده صاحب قول منفردی است که به دلیل استبعاد این دیدگاه پس از ایشان هیچ‌کدام از فقها از آن تبعیت ننموده‌اند؛ و آن اینکه به دلیل اصل برائت، شخص زنازاده دیه‌ای ندارد.

ابن ادریس جهت اثبات مدعای خود مبنی بر عدم ثبوت دیه در مورد فرد زنازاده، به اصل برائت استناد نموده است. صریح کلام ایشان در این مورد چنین است: «از فقهای امامیه قول دیگری را سراغ ندارم که در اینجا نقل کنم و آنچه را که در این مسأله ادله اقتضا می‌کند توقف است و این است که اصل برائت است و ولدالزنا دیه ندارد.» (ابن ادریس، ۱۴۱۰: ۳۵۲/۳). از عبارات ایشان چنین ظاهر می‌شود که ولد زنا اصلاً دیه ندارد، چون نه مسلمان است و نه ذمی.

^۱ - «سَأَلْتُهُ عَنْ دِيَةِ وَلَدِ الزَّانَا قَالَ يَعْطَى الَّذِي أَنْفَقَ عَلَيْهِ مَا أَنْفَقَ عَلَيْهِ.»

تشکر و قدردانی: لازم است از تمام کسانی که در تدوین این مقاله ما را یاری رسانده‌اند، قدردانی نماییم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین مالی انجام گرفته است.

منابع و مأخذ

- آخوند خراسانی، محمدکاظم بن حسین (۱۴۰۹). *کفایة الأصول*. قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.

- ابن‌ادریس، محمد بن احمد (۱۴۱۰). *السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی*. جلد سوم، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

- اعرجی، عبدالمطلب بن محمد (۱۴۱۶). *کنز الفوائد فی حل مشکلات القواعد*. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

- انصاری، مرتضی بن محمدامین (۱۴۱۶). *فرائد الاصول*. جلد اول، چاپ سوم، قم: مجمع الفکر الاسلامی.

- تبریزی، جواد (۱۴۲۸). *تنقیح مبانی الاحکام - کتاب الدیات*. قم: دار الصدیقه الشهدیده سلام‌الله‌علیها.

- جناتی، محمدابراهیم (بی‌تا). *مصادر اجتهاد از منظر فقیهان*. تهران: امیر کبیر.

- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹). *تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*. جلد بیست و نهم، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.

- حسینی عاملی، محمدجواد بن محمد (۱۳۲۶). *مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه*. جلد دهم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

- خمینی، روح‌الله (۱۴۱۵). *تهذیب الاصول*. جلد اول، چاپ دوم، تهران: موسسه تنظیم و نشر تراث‌الامام‌الخمنینی (س).

- خمینی، روح‌الله (۱۴۲۷). *تحریر الوسیله*. جلد دوم، قم: مؤسسه مطبوعات دار‌العلم.

- خوبی، ابوالقاسم (۱۴۱۹). *مصباح الاصول*. جلد اول، قم: مؤسسه احیاء آثار الإمام الخوئی ره.

به ادله‌ای چون کافر بودن ولدالزنا، اجماع، اصل عدم‌تساوی دیه، بازدارندگی از زنا و روایاتی چون: روایت جعفر بن بشیر، روایت عبدالرحمن بن عبدالحمید، روایت ابراهیم بن عبدالحمید و روایت یونس از عبدالله ابن‌سنان. از طرفی نیز اشکالات وارد شده بر این ادله چون: کافر ذمی نبودن ولدالزنا، مرسل بودن روایات و اعراض مشهور از روایات مزبور، هیچ‌کدام موجه به نظر نمی‌آید؛ زیرا اولاً: با توجه به روایات مذکور در فرض مسأله، برای ولدالزنا فقط به‌اندازه دیه ذمی از اصل عدم خارج می‌شود و اقرار به شهادتین ولدالزنا کالعدم نیست تا وی کافر حربی محسوب شود و دیه‌ای نداشته باشد. ثالثاً: برخی از فقها با ضعیف بودن روایات مذکور مخالفت نموده‌اند و این روایات را معتبر می‌دانند. گرچه روایت عبدالله ابن‌سنان نمی‌تواند مستندی بر این دیدگاه باشد. رابعاً: اعراض مشهور نیز مسأله‌ای مبنایی است. دیدگاه سوم، قول ابن‌ادریس حلی است که در این مسأله قائل عدم ثبوت دیه برای زنازاده شده است؛ تنها دلیل این دیدگاه اصل برائت است، اما این دیدگاه با اطلاق آیات و روایاتی که دلالت بر ثبوت دیه دارد، مخالف است و همچنین روایت عبدالله ابن‌سنان دلالت بر ثبوت دیه برای فرد زنازاده دارد. لذا پس از بررسی سه دیدگاه، قولی که صحیح به نظر می‌آید، دیدگاه دوم یعنی تساوی دیه زنازاده با دیه کافر ذمی یعنی هشتصد درهم است.

با توجه به دستاوردهای پژوهش، پیشنهاد می‌شود ماده ۵۵۲ قانون مجازات اسلامی مبنی بر «شخص متولد از زنا در صورتی که هر دو یا یکی از طرفین زنا، مسلمان باشند، در احکام دیه مانند مسلمان است.» بدین‌صورت اصلاح گردد: «شخص متولد از زنا، در احکام دیه همانند کافر ذمی است.»

ملاحظات اخلاقی: در این پژوهش تمامی ملاحظات اخلاقی رعایت گردیده است.

تعارض منافع: نگارش این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهم نویسندگان: در این پژوهش، نویسنده اول به‌عنوان نویسنده مسؤول و نویسنده بعدی به‌عنوان همکار می‌باشند.

- خوبی، ابوالقاسم (۱۴۲۲). مبانی تکمله المنهاج. جلد دوم، قم: مؤسسه احیاء آثار الإمام الخوئی ره.
- روحانی، صادق (۱۴۱۲). فقه الصادق علیه السلام. جلد بیست و ششم، قم: دارالکتاب - مدرسه امام صادق علیه السلام.
- روحانی، صادق (۱۳۸۶). منهاج الصالحین. جلد سوم، چاپ دوم، قم: انتشارات اجتهاد.
- سبزواری، سیدعبدالعلی (۱۴۱۳). مهذب الاحکام فی بیان الحلال و الحرام. جلد بیست و نهم، چاپ چهارم، قم: مؤسسه المنار - دفتر حضرت آیه الله.
- شهید اول، محمد بن مکی (۱۴۱۴). غایه المراد فی شرح نکت الإرشاد. جلد چهارم، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۳). مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام. جلد پانزدهم، قم: مؤسسه المعارف الإسلامیة.
- صاحب جواهر، محمدحسن (۱۴۰۴). جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام. جلد چهل و سوم، چاپ هفتم، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۵). المقنع. قم: مؤسسه امام هادی علیه السلام.
- صیمری، مفلح بن حسن (۱۴۲۰). غایه المرام فی الشرح شرائع الاسلام. جلد چهارم، بیروت: دار الهادی.
- طباطبائی حکیم، محمد سعید (۱۴۱۵). منهاج الصالحین. جلد سوم، بیروت: دار الصفوه.
- طباطبائی، علی بن محمدعلی (۱۴۱۸). ریاض المسائل. جلد شانزدهم، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷). تهذیب الاحکام. جلد دهم، چاپ چهارم، تهران: دار الکتب الإسلامیة.
- علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۲۰). تحریر الاحکام الشرعیة علی مذهب الإمامیة. جلد پنجم، قم: مؤسسه امام صادق علیهم السلام.
- علم الهدی، علی بن حسین (۱۴۱۵). الانتصار فی انفرادات الإمامیة. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- فاضل آبی، حسن بن ابی طالب (۱۴۱۷). کشف الرموز فی شرح المختصر النافع. جلد دوم، چاپ سوم، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- فاضل لنکرانی، محمد (۱۴۲۹). تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسیلة - کتاب الدیات. قم: مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام.
- فاضل هندی، محمد بن حسن (۱۴۱۶). کشف اللثام و الابهام عن قواعد الأحکام. جلد یازدهم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- فخرالمحققین، محمد بن حسن (۱۳۸۷). ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد. جلد چهارم، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- فیاض، محمد اسحاق (۱۳۷۸). منهاج الصالحین، جلد سوم، قم: مکتب آیه اله العظمی محمد اسحق فیاض.
- فیض کاشانی، ملاً محسن (بی تا). مفاتیح الشرائع. جلد دوم، قم: انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی - ره.
- محدث قمی، عباس (۱۳۴۴). سفینه البحار. جلد دوم، بیروت: دار الاسوه.
- محقق حلی، جعفر بن حسن (۱۴۰۸). شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام. جلد چهارم، چاپ دوم، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- مقدس اردبیلی، احمد بن محمد (۱۴۰۳). مجمع الفائده و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان. جلد چهاردهم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- نائینی، محمد حسین (۱۳۷۶). فوائد الاصول. جلد سوم، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- وحید خراسانی، حسین (۱۴۲۸). منهاج الصالحین. جلد سوم، قم: مدرسه امام باقر علیه السلام.